https://fa.wikimarefat.ir/view/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%AD%D8%B6%D9%88%D8%B1%DB%8C

علم حضوری

علم حضوری

نام‌های دیگر

حوزه اصلی

تعریف

ویژگی اصلی

ساز و کارهای

مفهوم متضاد

علم حضوری

1. عام به خود
2. عام به حالات درونی
3. عام به افعال درونی و جوانحی
4. عام به تربیت هستی بخش به معلول خود
5. عام معلول به مبدأ هستی خود
6. عام به مفاهیم ذهنی خود

ویرایش شده توسط ربات خودکار ویکی فا

اینفوگرافی علم حضوری

علم حضوری (به انگلیسی: Presence Knowledge)، معرفت حضوری یا شهود، در برابر علم حصولی، از اصطلاحات دانش معرفت‌شناسی، به‌معنای آگاهی و شناخت بدون واسطه مفهوم است؛ یعنی عالِم بدون واسطه از وجود معلوم آگاه می‌شود. این آگاهی، همان معرفت به خودِ واقعیت معلوم است.

مقصود از بی‌واسطه بودن شناخت در تعریف علم حضوری، این است که عالِم برای آگاه شدن از واقعیت معلوم، به چیزی جز حضور خود معلوم نزد خود نیاز ندارد؛ اگرچه ممکن است واسطه در پدید آمدن معلوم باشد، اما در آگاهی عالم از معلوم، واسطه‌ای نیست.

تعریف و ماهیت

علم حضوری، در برابر علم حصولی، نوعی از معرفت است که در آن، عین واقعیت در نزد عالِم حاضر می‌شود و مفهوم یا نقش‌نمایی در کار نیست.[۱] بر این اساس، فرض وجود خطا در علم حضوری، فرضی نامعقول و بی‌جهت است.[۲]

علم حضوری مراتب و سطوحی دارد[۳] و مراتب آن به مرتبه وجودی عالِم و معلوم، و نیز مرتبه توجه عالِم به معلوم بستگی دارد.[۴] حضور در علم حضوری، به‌معنای عرفی آن نیست؛ برای مثال، هنگامی که دو نفر یکدیگر را می‌بینند، معرفت آنان حضوری نیست، بلکه حصولی است و تنها تصویری با واسطه از معلوم نزد دیگری حاصل می‌شود.[۵]

تمایز با علم حصولی

[illegible]: [illegible]

عالمان مسلمان، معرفت را به دو گونه حضوری و حصولی تقسیم می‌کنند[۶] و بدین ترتیب، علم حضوری تفاوت‌های مهمی با علم حصولی دارد؛ از جمله:

- علم حضوری معرفتی بدون واسطه مفهوم است،[۷] در حالی که علم حصولی با واسطه مفهوم انجام می‌شود.[۸]
- در علم حضوری، همان واقعیت است که نزد عالم حاضر است، و هیچ واسطه مفهوم یا نقش‌نمایی در کار نیست،[۹] در حالی که در علم حصولی، به‌جای مواجهه با خود واقعیت و معلوم، اثری از آن در ذهن انعکاس می‌یابد که به آن مفهوم و صورت ذهنی گفته می‌شود.[۱۰]
- علم حضوری خطاناپذیر است،[۱۱] اما علم حصولی خطاپذیر است.[۱۲]

اقسام علم حضوری

علم حضوری گونه‌های مختلفی دارد[۱۳] که مهمترین آن عبارتند از:

1. علم به خود: هر کسی وجود خود را در آگاهی خویش می‌یابد و برای شناخت خود به مفهومی نیاز ندارد، زیرا خودش نزد خودش حاضر است.[۱۴]
2. علم به حالات درونی: حالات درونی انسان، مانند شادی، غم، امید، لذت و ترس، بدون واسطه مفاهیم در درون او پدید می‌آید و انسان‌ها آن را درک می‌کنند.[۱۵] این امور، مانند علم، محبت، ترس، تفکر و اراده، فاقد امتداد و تقسیم‌پذیری حقیقی هستند و مجرد محسوب می‌شوند؛[۱۶]
3. علم به افعال درونی و جوانحی: برخی افعال انسان، مانند اراده، حکم، تفکر و توجه، در درون او رخ می‌دهد و علم به آنها نیز بدون واسطه است؛[۱۷] مانند درک حضوری مفهوم «من» در حال فکر کردن.[۱۸]
4. علم علت هستی‌بخش به معلول خود: به‌دلیل ارتباط وجودی معلول با علت هستی‌بخش خود، حضور مبدأ هستی در معلول بدون هیچ واسطه‌ای است؛ بدین جهت، علم علت هستی‌بخش به معلول خود، حضوری است.[۱۹]
5. علم معلول به مبدأ هستی خود: از آنجا که معلول نزد مبدأ هستی خود حاضر است، در صورتی که دارای شرایط لازم باشد، مبدأ هستی خود را با علم حضوری و بی‌واسطه می‌یابد.[۲۰]
6. علم به مفاهیم ذهنی خود: مفاهیمی را که در ذهن خود داریم، بدون واسطه می‌شناسیم؛[۲۱] مانند علم به تصویر یا مفهومی که از چهره دوست خود در ذهن داریم.[۲۲]

ویژگی‌ها و اعتبار

خطاناپذیری و اعتبار

علم حضوری، ارزش و اعتبار کامل معرفتی دارد[۲۳] و خطاناپذیر است.[۲۴] بدین ترتیب، خطا در علم حضوری بی‌معناست،[۲۵] زیرا خطا هنگامی رخ می‌دهد که علم با معلوم مطابقت نداشته باشد، در حالی که در علم حضوری، عین همان واقعیتِ معلوم نزد درک‌کننده حاضر است.[۲۶]

داشتن مراتب و سطوح

علم حضوری دارای مراتب است؛[۲۷] مانند نور که دارای شدت و ضعف، وضوح و خفا است.[۲۸] بدین ترتیب، هر چه عالِم در مرتبه وجودی بالاتری باشد، علم حضوری او روشن‌تر و واضح‌تر است.[۲۹]

همراهی با علم حصولی

علم حضوری، معمولاً همراه با علم حصولی است،[۳۰] و عالِم، چیزی را که با علم حضوری می‌یابد، معمولاً با واسطه مفاهیم ذهنی نیز درک می‌کند.[۳۱] برای مثال، آگاهی از شادی خود، بدون واسطه مفهوم، علم حضوری است، اما آگاهی با واسطه مفهومی که ذهن از آن ساخته، علم حصولی است.[۳۲]

شرایط تحقق

اقسام علم حضوری، از جهت شرایط تحقق، با یکدیگر متفاوت‌اند:[۳۳]

- **همیشگی**: برخی از اقسام علم حضوری به شرایط خاصی نیاز ندارند و همواره همراه عالِم هستند؛ مانند علم حضوری به اصل وجود که همواره برای هر کسی وجود دارد.[۳۴]
- **شرطی**: برخی از اقسام علم حضوری، تنها در شرایطی خاص پدید می‌آیند؛ مانند لذتی که از حل یک معما حاصل می‌شود.[۳۵]
- **تفاوت شرایط**: آن دسته از علوم حضوری که در شرایطی خاص پدید می‌آیند، از نظر عمومیت شرایط نیز با هم تفاوت دارند؛ برخی شرایط برای عموم مردم رخ می‌دهد، مانند تجربه شادی و ترس، و برخی دیگر عمومی نیست و برای افرادی خاص حاصل می‌شود، مانند حالات عارفان یا علم وحی پیامبر.[۳۶]

مبانی علم حضوری در معرفت حصولی

علم حضوری زیربنای اعتبار کامل برخی از تصدیقات حصولی است.[۳۷] تصدیقات حصولی به دو دستۀ بدیهی و نظری تقسیم می‌شود؛[۳۸] تصدیقات بدیهی، بدون ارجاع به تصدیقات دیگر (یا استنتاج از آنها) حاصل می‌شوند،[۳۹] مستقیماً به علوم حضوری بازمی‌گردند[۴۰] و خود به دو دستۀ اصلی تقسیم می‌شوند:

- **اولیات** (تصدیقات بدیهی اولی): این تصدیقات بیانگر رابطۀ میان مفاهیم ذهنی هستند [۴۱]. برای تصدیق آنها تنها به تصور اجزای خود و علم حضوری به مفاهیم نیاز داریم.[۴۲] مطابقت اولیات با واقعیت، ناشی از اشراف حضوری به علم و معلوم است.[۴۳]
- **وجدانیات**: این تصدیقات علاوه بر علم حضوری به مفاهیم، نیازمند علم حضوری به حالتی دیگر نیز هستند [۴۴]. وجدانیات بیانگر رابطۀ چیزی با مفاهیم ذهنی است که خود آن چیز، با علم حضوری یافت می‌شود.[۴۵] مطابقت وجدانیات با واقعیت، مستقیماً از طریق علم حضوری احراز می‌شود. تصدیق به گزارۀ «من شاد هستم»، مثالی برای وجدانیات است.[۴۶]

اعتبار تصدیقات نظری نیز در صورتی کامل و یقینی است که بتوان آن را با استدلال معتبر، به یک یا چند تصدیق بدیهی (که بر علم حضوری مبتنی است) ارجاع داد و اثبات کرد.[۴۷]

نقش در خداشناسی و انسان‌شناسی

اثبات نفس مجرد

علم حضوری، مبنای اصلی اثبات وجود ساحت مجرد در انسان است.[۴۸] بدین ترتیب، استدلال عقلی بر تجرد نفس عمدتاً بر علم حضوری به «من» استوار است:[۴۹]

1. **علم به خود و تقسیم‌ناپذیری**: انسان با علم حضوری، «من» خود را که امری تقسیم‌ناپذیر است، درک می‌کند.[۵۰] موجود تقسیم‌ناپذیر مجرد است، و در نتیجه «من» مجرد است.[۵۱]
2. **ثبات هویت**: ما با علم حضوری، هویت یگانه خود (من ثابت) را درک می‌کنیم.[۵۲] با توجه به اینکه بدن انسان و سلول‌های آن در طول عمر دچار تغییر دائم می‌شوند، این ثبات هویت نشان می‌دهد که «من» (نفس) حقیقتی مجرد است.[۵۳]
3. **تجرد علم و ادراک**: علم و ادراک نیز با علم حضوری درک می‌شوند.[۵۴] علم فاقد امتداد و ابعاد مادی است و امر مجرد نمی‌تواند در امر مادی (جسم) حلول کند.[۵۵] در نتیجه باید ساحتی مجرد در انسان وجود داشته باشد تا علم برای او حاصل شود.[۵۶]

علم حضوری خداوند

علم خداوند به خود و غیرخود، ذاتی، کامل و حضوری است؛[۵۷] بر این اساس:

- **علم به خود**: علم ذاتی خداوند به خود، حضوری، کامل و بی‌واسطه است و عین ذات اوست.[۵۸]
- **علم به غیر**: علم ذاتی خداوند به غیرخود (پیش از خلق) و علم فعلی او (هنگام وجود آنها)، نیز حضوری و بی‌واسطه است.[۵۹]
- **خداوند بصیر و سمیع خوانده می‌شود**، اما برای علم به دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها نیازمند ابزار و وسایل نیست، بلکه به همه آنها علم حضوری و بی‌واسطه دارد.[۶۰]

کمال انسان و اخلاق

هر کسی خودش را با علم حضوری درک می‌کند، و به همین جهت، خودش را دوست دارد.[۶۱] گفته شده که بالاترین لذت هنگامی حاصل می‌شود که انسان به برترین کمالات دست یابد و آن را با علم حضوری کامل درک کند.[۶۲] این همان وصول به کمال نهایی (قرب الهی) است.[۶۳]

گرایش‌های فطری [۶۴]

برخی از شناخت‌های سرشتی و بنیادین انسان، از سنخ علم حضوری هستند.[۶۵] علم حضوری به نفس خود، حالات درونی، و پیوند با خداوند، نوعی شناخت است که در سرشت آدمی نهاده شده است،[۶۶] اختیار نیز با علم حضوری اثبات می‌شود؛ چنانکه هر کس مختار بودن خود را مستقیماً با علم حضوری درمی‌یابد.[۶۷]

پاسخ به شبهات

خطاناپذیری علم حضوری به‌معنای اعتبار کامل تفسیرهایی نیست که از یافته‌های حضوری صورت می‌گیرد؛ زیرا آنچه در آن خطا رخ می‌دهد، استنباط، تفسیر و تعبیری نابجا از یافته‌های حضوری است که از سنخ علم حصولی است:[۶۸]

- **شبهه خطا دربار خود (هویت)**

برخی خردمندان در ماهیت هویت (آیا جسم مادی است یا نفس ناطقه) اختلاف‌نظر دارند و ادعا می‌شود که علم حضوری انسان به خود، خطاپذیر است.[۶۹]
پاسخ: علم حضوری انسان به وجود خود، صرفاً مرتبه ضعیفی از هستی است که خطاناپذیر است.[۷۰] اما این علم ضعیف، کامل نیست تا بتواند ویژگی‌های وجودی خود را به درستی تشخیص دهد.[۷۱] تفسیرها و دیدگاه‌های نادرست درباره ویژگی‌های وجودی خود، از سنخ علم حصولی، و خطاپذیر است.[۷۲]

- **شبهه خطا دربار حالات درونی**

ادعاهایی مانند گرسنگی کاذب یا اشتباه گرفتن احساسات درونی (مثلاً دقت با وسواس، یا درد با خارش شدید) مطرح می‌شود و ادعا این است که اگر این حالات با علم حضوری درک می‌شود، پس علم حضوری خطاپذیر است.[۷۳]
پاسخ: علم حضوری صرفاً حالت درونی را درک می‌کند و آن حالت (فی‌نفسه) خطاناپذیر است،[۷۴] اما تفسیر اینکه این حالت درونی دقیقاً چیست (گرسنگی کاذب، وسواس، یا...)، یک قضاوت حصولی، و خطاپذیر است.[۷۵]
همچنین، آنچه در علم حضوری درک می‌شود، اصل یافتن حالت درونی است و مواردی چون گرسنگی کاذب، تردید در حالت شک، یا اشتباه گرفتن دقت با وسواس، مربوط به تشخیص ماهیت حالت است که از طریق مفاهیم حصولی صورت می‌گیرد.[۷۶]

- **شبهه خطا دربار علم به مبدأ هستی**

از آنجا که برخی افراد وجود خدا را انکار می‌کنند، ادعا می‌شود که علم حضوری به مبدأ هستی نیز خطاپذیر است.[۷۷]
پاسخ: علم حضوری اکثر افراد به مبدأ هستی (خدا) یک علم ضعیف است که صرفاً وابستگی وجودی انسان به موجود دیگر را نشان می‌دهد.[۷۸] این علم ضعیف در درک وابستگی، خطاناپذیر است،[۷۹] اما این علم ضعیف کافی نیست تا بتواند ویژگی‌های مبدأ هستی را به‌درستی تشخیص دهد.[۸۰] بنابراین، انکار خدا (یا تفسیر نادرست ویژگی‌های او) از سنخ تفسیر و استنباط حصولی است و خطا در یافته حضوری رخ نداده است.[۸۱]

مقالات مرتبط

علم حصولی معرفت‌شناسی ابن‌سینا

پانویس

1. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷
2. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷
3. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۰
4. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۱
5. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۷
6. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۶
7. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۶
8. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۷
9. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷
10. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷
11. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۶، ۵۵، ۸۵، ۹۸
12. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷
13. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۷
14. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۸
15. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۸
16. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۹
17. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۸
18. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۸
19. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۸
20. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۸
21. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
22. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
23. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷، ۵۵
24. ↑ معرفت‌شناسی، ص۸۵، ۹۸
25. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۶
26. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۷
27. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۰
28. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۰
29. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۱
30. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
31. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
32. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۰
33. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
34. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
35. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
36. ↑ معرفت‌شناسی، ص۳۹
37. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۴
38. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۴
39. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۴
40. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
41. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
42. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
43. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
44. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
45. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
46. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۲
47. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۴
48. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۶
49. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۵
50. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۵-۳۶
51. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۵-۳۶

52. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۵
53. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۵
54. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۹
55. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۶
56. ↑ انسان‌شناسی، ص۳۶
57. ↑ خداشناسی، ص۷۰
58. ↑ خداشناسی، ص۷۰
59. ↑ خداشناسی، ص۷۱-۷۲
60. ↑ خداشناسی، ص۷۲
61. ↑ فلسفه اخلاق، ص۳۸۵
62. ↑ فلسفه اخلاق، ص۴۰۱، ۴۴۱
63. ↑ فلسفه اخلاق، ص۴۴۱
64. ↑ سرشت
65. ↑ انسان‌شناسی، ص۶۳
66. ↑ انسان‌شناسی، ص۶۳، ۶۸
67. ↑ انسان‌شناسی، ص۶۴
68. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۴-۵۶
69. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۹-۵۰
70. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۱
71. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۱، ۵۶
72. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۱
73. ↑ معرفت‌شناسی، ص۴۹-۵۰
74. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۲
75. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۲، ۵۶
76. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۲
77. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۰
78. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۴
79. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۴
80. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۴، ۵۶
81. ↑ معرفت‌شناسی، ص۵۴

منابع

- مصباح، مجتبی و محمدی، عبدالله، مبانی اندیشه اسلامی-۱: معرفت‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هجدهم، ویراست دوم، ۱۴۰۲ش
- مصباح، مجتبی و عبودیت، عبدالرسول، مبانی اندیشه اسلامی-۲: خداشناسی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهاردهم، ویراست دوم، ۱۴۰۱ش.
- الهی‌راد، صفدر، مبانی اندیشه اسلامی-۳: انسان‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوازدهم، ویراست سوم، ۱۴۰۱ش.
- مصباح، مجتبی، مبانی اندیشه اسلامی-۴: فلسفه اخلاق، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، ویراست دوم، ۱۳۹۹ش.
- دانش‌پژوه، مصطفی و عابدینی، جواد، مبانی اندیشه اسلامی-۵: فلسفه حقوق، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، ویراست دوم، ۱۳۹۹ش.
- شبان‌نیا، قاسم، مبانی اندیشه اسلامی-۶: فلسفه سیاست، قم، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ یازدهم، ویراست دوم، ۱۴۰۱ش.

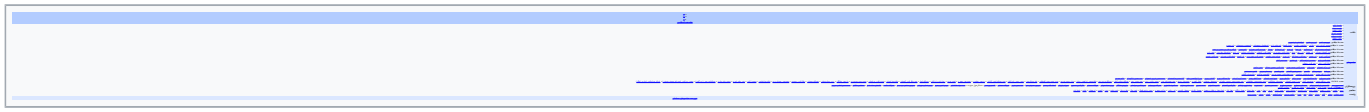

• ن
• ب
• م
فلسفه

رشته‌ها

شاخه‌های سنتی

- متافیزیک
- معرفت‌شناسی
- منطق
- اخلاقیات
- زیبایی‌شناسی

فلسفه‌های مضاف

- آموزش
- ادبیات
- اطلاعات
- اجتماع
- اقتصاد
- بهداشت
- تاریخ
- جامعه‌شناسی
- جنسیت
- جنگ
- جغرافیا
- حقوق
- دین
- ذهن
- رایانه
- روان‌شناسی
- ریاضیات
- زبان
- زیست‌بوم
- زیست‌شناسی
- سیاست
- شیمی
- طبیعت انسان
- علم
- فلسفه
- فیزیک
- فناوری
- مهندسی
- منطق
- هنر
  - موسیقی
  - فیلم
  - فرهنگ
- هوش مصنوعی

گرایش‌های فلسفی

بر اساس دوره		• باستان
		• غربی
		  ◦ قرون وسطی
		  ◦ رنسانس
		  ◦ پیشامدرن
		  ◦ مدرن
		  ◦ معاصر

باستان	چین	• کنفسیوس‌گرایی
		• تائوئیسم
		• موهیسم
		• قانون‌گرایی (فلسفه چینی)لگالیسم
		• ذن
		• پیشاسقراطی
		• الئاییان
		• ایونیان
		  ◦ افسوسیان
		  ◦ ملطیان
		• کورنائیان
		• مگارائیان
		• فیثاغوری
		  ◦ نوفیثاغورسی
		• اتمیسم
		• چندگانه‌گرایی
		• سوفسطائیان
		• پیرهونی
		• رواقیان
		• کلبیون
		• لذت‌پرستی
		• هرمنوتیک
		• افلاطون
		  ◦ نوافلاطونی
		• ارسطوگرایی
		• مشاء
		• هندو
		• بودایی
		• جاروآکا
		• جین
		• مزدکی
		• مانوی
		• مزدیسنا
		  ◦ زروانی
		• مسیحی
		  ◦ مدرسی
		  ◦ قرون وسطی
		  ◦ تومیسم

	یونان و روم	
	هند	
	ایران	
	اروپا	
	شرقی	• نئوکنفوسیانیسم • دوائیتا
قرون وسطی ۹ تا ۱۶ میلادی	هندی	• ناویا-نایایا • ویشیشتادوائیتا • اولیه اسلامی • اشراق
	اسلامی	• مشاء • ابن‌سیناگرایی • متعالیه
	یهودی	• یهودی اسلامی (۸۰۰-۱۴۰۰ م)

	افراد	• دکارت‌گرایی
		• کانت‌گرایی
		• نئوکانت‌گرایی
		• هگل‌گرایی
		• مارکسیسم
		• اسپینوزاگرایی
		• جبرگرایی
		• دوگانه‌گرایی
		• تجربه‌گرایی
		• ایدئالیسم
		  ◦ مطلق
		  ◦ بریتانیایی
		  ◦ آلمانی
		  ◦ عینی
		  ◦ ذهنی
		  ◦ استعلایی

	ایده / ماده	
جدید ۱۷ تا ۱۹ میلادی	دیگر	• رئالیسم کلاسیک • مانریالیسم • یگانه‌انگاری • طبیعت‌گرایی • عمل‌گرایی • تقلیل‌گرایی • خردگرایی • اصالت نفع • آنارشیسم • جمع‌گرایی • نئوکنفوسیانیسم • محافظه‌کاری • اگزیستانسیالیسم • تاریخ‌گرایی • کل‌نگری • انسان‌گرایی • فردگرایی • لیبرالیسم • نوگرایی • قانون طبیعی • نیهیلیسم • پدیدارشناسی • اثبات‌گرایی • قرارداد اجتماعی • سوسیالیسم • تعالی‌گرایی • اخلاق کاربردی • فمینیسم تحلیلی • مارکسیسم تحلیلی • پیامدگرایی • خردگرایی انتقادی • فلسفه تجربی • ابطال‌پذیری • دستور زایشی • اثبات‌گرایی منطقی • قانون‌گرایی • اخلاق هنجاری • فرااخلاق
	تحلیلی	• واقع‌گرایی اخلاقی • اخلاق فضیلت • طبیعت‌گرایی کواین • زبان متعارف • فلسفه پساتحلیلی • رولزگرایی • معرفت‌شناسی اصلاح‌شده
معاصر ۲۰ تا ۲۱ میلادی	قاره‌ای	• علم‌گرایی • رئالیسم علمی • شک‌گرایی علمی • اصالت نفع • حلقه وین • ویتگنشتاین‌گرایی • نظریه انتقادی • ساخت‌گشایی • اگزیستانسیالیسم • فمینیسم • مکتب فرانکفورت • تاریخ‌گرایی نوین • هرمنوتیک • نئومارکسیسم • پدیدارشناسی • پست‌مدرنیسم • پساساختارگرایی • ساختارگرایی • مارکسیسم غربی
	دیگر	• مکتب کیوتو • عینیت‌گرایی

نظریه‌ها

زیبایی‌شناسی	• فرمالیسم • نظریه هنر • زیبایی‌شناسی احساسیات
اخلاق	• پیامدگرایی • اخلاق وظیفه‌گرا • فضیلت
اختیار	• اصالت نفع • جبرگرایی • لیبرتریسم
متافیزیک	• اتم‌گرایی • دوگانه‌گرایی • یگانه‌انگاری • طبیعت‌گرایی • ساختارگرایانه • تجربه‌گرایی • ایدئالیسم • خاص‌گرایی
معرفت‌شناسی	• فیدیسم • جرم‌گرایی / استدلال‌گرایی • شک‌گرایی فلسفی • شک‌نگرایی • خودبنیادانگاری
ذهن	• رفتارگرایی • همانیندگرایی • کارکردگرایی • عینی‌نگرایی • ذهنیت‌گرایی • مطلق‌گرایی • خاص‌گرایی
هنجارمندی	• نسبی‌گرایی • اخلاق‌بستری • شک‌نگرایی • جهانی‌گرایی
هستی‌شناسی	• کنشی • رخداد • فرایند
واقعیت	• صدواقع‌گرایی • مفهوم‌گرایی • ایدئالیسم • ماده‌باوری • طبیعت‌گرایی • نام‌گرایی • فیزیکالیسم • واقع‌گرایی

• غیره

بر پایه منطقه	• آفریقایی • اتیوپیایی • ارتکی • بومیان آمریکا • بشرقی • چینی • مصری • چکی • هندی • اندونزیایی • ایرانی • لاتین • کره‌ای • ویتنامی • پاکستانی • غربی • آمریکایی • بریتانیایی • دانمارکی • فرانسوی • آلمانی • یونانی • ایتالیایی • لهستانی • رومانیایی • روسی • اسلوونیایی • برون‌نما • نمایه • مکتب‌ها • واژه‌نامه
فهرست‌ها	• فیلسوفان • فهرست مسئله‌های حل‌نشده در فلسفه • جنبش‌ها
متفرقه	• انتشارات • زنان در فلسفه